

عقیلی علوی خراسانی و مخزن الادویه* (علمی - پژوهشی)

محمود مدبری
دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده:

محمد حسین عقیلی علوی خراسانی یکی از بزرگترین پزشکان ایران در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری قمری است و صاحب کتاب بسیار مهم در ادویه و مصطلحات پزشکی موسوم به مخزن الادویه. در این مقاله، ابتدا مقدمه ای دربارهٔ خاندان عقیلی علوی نوشته شده است. در این خاندان در طول تاریخ، اطبا و عالمان نامداری ظهور کرده اند؛ به ویژه میر محمد هادی علوی متخلص به "شرر" شیرازی و معتمدالملوک میرزا هاشم علوی شیرازی معروف به حکیم علوی خان که مشهورترین طبیب این خاندان بوده است. سپس، به احوال محمد حسین عقیلی علوی خراسانی شیرازی پرداخته شده و به سبب مدارک اندک دربارهٔ او، مطالب متعددی از لابه لای کتاب بزرگش در سبب تألیف کتاب، منابع و مآخذ او در تدوین و تصنیف آن کتاب

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۰/۱۰/۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۰/۱۱/۱

فراهم آمده است. و بالاخره، کتاب مخزن الادویه، فصول و بخش ها، شیوه تألیف و نگارش و چاپ های آن مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

عقبلی علوی خراسانی، مخزن الادویه، علویخان، طب.

مقدمه:

در تاریخ ادب، فرهنگ، علم و سیاست ایران، خاندان هایی چند جلوه گری می کنند که نسل در نسل با تألیف و تصنیف و تربیت شاگردان بسیار، توانسته اند خدمات ارزنده ای به این سرزمین کهنسال نمایند و در حقیقت، باید این خانواده های بزرگ را یکی از استوانه های پایایی علم و ادب در سراسر ایران و در طول تاریخ دانست. خاندان علوی خراسانی یکی از این خاندان هاست که طی قرون متمادی، از عصر صفوی تا آغاز دوران قاجاری، خوش درخشیده اند و شعله رو به خاموشی پزشکی را در دوره انحطاط^۱ روشن نگاه داشته اند. در این میان چند تن از بزرگان این خاندان شهرت و نفوذ بیشتری داشته اند که عبارتند از:

۱- میر محمد هادی علوی

حکیم میرزا محمد هادی علوی، متخلص به «شرر»، شاعر، خوشنویس و نویسنده درویش مسلکی بود و در شیراز می زیست؛ چرا که پیشتر، خانواده او از خراسان به شیراز مهاجرت کرده بودند. تذکره های عصر زندیه و قاجاریه، نام او را در ردیف سخنوران و عالمان فارس ذکر کرده اند^۲. او در میان شاگردان خود، از جمله شیخ محمد حسین حکیم الممالک متخلص به «شهرت» فارسی، به عنوان معلم برجسته ای مشهور بود. وی هر وقت اشعار خود را در قهوه خانه ها قرائت می کرد، لباس قلندران

می پوشید و از این جهت، بعضی اوقات «میرزا هادی قلندری» نامیده می شد.^۳
میر محمد هادی علوی در شصت سالگی، به سال ۱۱۰۷ هجری قمری، در شهر شیراز
وفات یافت و در همان جا به خاک سپرده شد. ابیات زیر از او نقل شده است:^۴

شیشه ناموس جمعی را که دارم در بغل بایدم بود از ملامت های ایشان سنگسار
به کف آرند مگر دامن افتاد گیم نه فلک پای نهاده به سر دوش همد

*

با سیه دل صافی مشرب نمی آید به کار کی به آب از چشم ناینا توان شستن غبار

*

تویی پیدا و پنهان در دل تنگی که من دارم شرر چون آب یاقون است در سنگی که من دارم

*

عقدۀ میل طبیعی چو به دل وانکنی ای شرردردل چون سنگ بنان جانکنی

۲- محمد هاشم علوی

میرزا محمد هاشم علوی شیرازی، ملقب به «معمد الملوک» و «نواب علیخان» و
معروف به «حکیم علوی خان»، فرزند حکیم میرزا محمد هادی علوی سابق الذکر
است.^۵ جدّ وی، سید مظفرالدین حسین علوی، از خراسان به شیراز مهاجرت کرده بود.^۶
وی در رمضان سال ۱۰۸۰ هجری قمری در شیراز متولد شد و نزد پدر خود میر محمد
هادی به آموختن علم پزشکی پرداخت. در سی و یک سالگی، یعنی سال ۱۱۱۱، به
هندوستان مهاجرت کرد. در آن زمان، پادشاه هندوستان اورنگ زیب عالمگیر بود. او
نزد پسر پادشاه، یعنی محمد اعظم رفته و به خدمت او درآمد و خطاب و منصب و
خلعت یافت و با دختر حکیم محمد شفیع شیرازی ازدواج کرد. معالجات وی در دهلی
چنان بود که به منصب ششزاری و حقوق سه هزار روپیه دست یافت. پس از کشته
شدن محمد اعظم، به بارگاه عالم بن عالمگیر روی آورد و از ندیمان او شد و لقب

«علوی خان» گرفت و در عهد محمد شاه دهلوی نیز به لقب «معمد الملوک» معنون شد و آن شاه امر کرد که او را هموزن نقره در ترازو بکشند.^۷

در زمانی که نادر شاه افشار بر هند و دهلی دست یافت، دچار بیماری شد و از علوی خان استمداد جست و بر اثر مداوای آن حکیم، نادر شاه بهبود یافت. این پادشاه به سبب آن که دندان های خود را از دست داده بود، دچار سوء هاضمه شدید و زخم معده و سپس، تنگی خلق شده بود که با تدابیر علوی خان وضع مطلوب یافت. نادر بدین سبب، او را با خود به ایران آورد. او هم به شرطی همراهی نادر را پذیرفت که بعدها بتواند از آن شغل معاف گردد و به زیارت خانه خدا مشرف شود. دو سال بعد از بازگشت به ایران، در شهر قزوین از نادر مرخصی گرفت و به حج شتافت. از قضا حال نادر پس از او رو به وخامت نهاد و اطبای مختلف، از جمله فردریک دامیان لیونی کاپوچی مذهب هم از درمان او عاجز آمدند.^۸

علوی خان پس از حج در سال ۱۱۵۶ به هندوستان برگشت. در اواخر عمر نیز لقب «بهاء الدوله» یافت و پس از گذراندن بیش از هشتاد سال، در حدود سال ۱۱۶۰ یا ۱۱۶۲ یا ۱۱۶۳، به مرض استسقا در دهلی وفات یافت و بنا به وصیتش در جوار مزار سلطان المشایخ نظام الدین بدآونی مدفون گردید. از وی اشعاری نقل شده است؛ اما شهرت او به خاطر طب و تألیفاتی چند است که از او باقی است؛ از جمله: جمع الجوامع (یا جامع الجوامع)، آثار الباقیه، التحفة العلویه و الايضاح العلیه، حاشیه بر شرح هداية الحکمه میبیدی، حاشیه بر شرح الاسباب و العلامات، رساله در موسیقی، شرح بر تحریر اقلیدس، شرح بر مجسطی، شرح بر موجز القانون، کتاب در احوال اعضاء النفس.^۹ محمد حسین عقیلی صاحب مخزن الادویه درباره آثار او گوید: «از مؤلفات او شان آنچه محرر دیده اکثر منتشر و ناتمام است و دیگر کسی به طول و بسط شاید متوجه نشده.»^{۱۰}

به هر حال، علوی خان مشهورترین پزشک ایرانی در اواخر عصر صفوی و دوره نادری است که در میان خاندان علوی نیز از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار بوده است.

۳- محمد حسین عقيلي علوي

یکی دیگر از اطباء بزرگ این خاندان، مؤلف مجمع الجوامع یا مخزن الادويه است. درباره این طیب برجسته، اطلاعات کافی در دست نیست و آنچه از او می دانیم منحصر به اقوال خودش در کتاب یاد شده است. بر اساس این گفته ها، نام وی سید محمد حسین بن سید محمد هادی عقيلي علوي خراساني شیرازی است. دایی پدر او همان میرزا محمد هاشم علوي شیرازی، ملقب به معتمدالملوک و حکیم علوي خان سابق الذکر است که از آثار او در کتاب خود بارها بهره برده، به ویژه از کتاب «مفردات». آن گونه که مشخص است، طب را از پدر خود و نیز میر محمد علی حسینی آموخته است؛ چنانکه در آغاز فصل چهاردهم از کتاب مخزن الادويه، اسناد طبابت دایی پدر و نیز پدر خود را چنین نوشته است:

«فصل چهاردهم در بیان اسناد طبّ خال والد ماجد و والد ماجد قدس الله سرهما و مؤلف - بدانکه سند خال والد ماجد، حکیم میر محمد هاشم، المخاطب به حکیم معتمد الملوک سید علوي خان به والد اوشان استاد الاطباء و سید الحکماء میر محمد هادی علوي و از اوشان استاد الاطباء و اسوة الحکماء میر محمد مسیح والد میرزا محمد تقی موسوی قدس الله تعالی اسرارهم و از میرزا محمد مسیح به وسایط به اطباء خوز و طبرستان و از اوشان به اطباء حرّان و از حرّانیان به بقراط حکیم و از او به اسقلنیوس و از او به حضرت سلیمان بن داود پیغمبر، علی نبینا و آله و علیهم السلام، می رسد و فقیر از والد ماجد خود و والد ماجد از حکیم میر محمد تقی و حکیم میر محمد تقی هم از والد

ماجد خود وهم از میر محمد هادی علوی بلاواسطه، قدس الله تعالی اسرارهم، و نیز فقیر از جناب ارشاد مآبی میر محمد علی الحسینی، مد ظله العالی، اخذ نموده و القا یافته. ^{۱۱} «مشابهت نام پدر او با نام پدر معتمد الملوک حکیم علوی خان، یعنی «میر محمد هادی» موجب شده است که دکتر سیریل الگود اشتبهاً تصور کند میر محمد هادی دو پسر داشته، یکی محمد هاشم علوی که قبلاً ذکر او رفت و دیگر پسر کوچکتر که به قول وی ظاهراً در ایران مانده و به هند نرفته و تفسیری درباره قانونچه و کتاب دیگری به نام مجمع الجوامع نوشته است. ^{۱۲} بنا به نظر دکتر الگود، محمد هاشم و محمد حسین دو برادر طیب هستند؛ حال آن که با توجه به نقل قول محمد حسین، محمد هاشم علوی خال والد اوست.

با مختصر نگاهی به مقدمه کتاب مخزن الادویه در می یابیم که اکثر خاندان محمد حسین عقیلی طیب بوده اند و او نیز از آغاز جوانی در خدمت پدرش و سپس، میر محمد علی حسینی پزشکی را فرا گرفته است. وی در سال ۱۱۸۳ ق. کتابی در امراض مختصه از سر تا به قدم به زبان عربی نوشت؛ اما به خاطر موانعی از ادامه آن بازماند تا این که در سال ۱۱۸۵ به حکم استادش، به جمع و تألیف قرابادینی به زبان فارسی و به ترتیب حروف تهجی پرداخت. در تدوین این کتاب، یعنی قرابادین مجمع الجوامع، از مآخذ و منابع معتبری چون قانون ابن سینا، جامع المالیقی ابن بیطار، تذکره شیخ یوسف بغدادی، تذکره شیخ داود انطاکی، ترجمه تذکره ابوریحان بیرونی، اختیارات بدیعی، تحفه حکیم مؤمن، مفردات معتمد الملوک و نیز از کتب یونانی، عربی، فارسی و کتبی در ادویه هندی استفاده های بسیار کرد. اثر خویش را به دو مقاله تقسیم کرد: اول در ادویه مفرده به نام تذکره و مقاله دوم در ادویه مرکبه که قرابادین خوانند، مسمی به مخزن الادویه و تذکره اولی النهی.

در اینجا لازم است آن بخش از مقدمه که حاوی اطلاعات ارزشمندی در زمینه مؤلف کتاب و تهیّه و تدوین آن است، بعینه نقل شود تا نمونه ای منتخب از نشر کتاب نیز باشد:

«الحمد لله الذي أظهر آثار قدرته بايجاد الموجودات بلامواد ... اما بعد به عرض اخوان الصفا و خلان الوفا مي رساند اين ذرة بي مقدار الراجي الي رحمة ربه الغفار/ابن سيد السند محمد هادي العقيلي العلوي، محمد حسين، غفرالله ذنوبهما و ستر عيوبهما، که چون اکثر آبا و اجداد و اقربای اين عاصي هيچمدان، طيب و مزاول علم و عمل بودند و اين جاهل نیز از عنفوان شباب به خدمت والد ماجد، قدس سره، و جناب مستغني الالقاب پيرو مرشد حقيقي سمي حبيب الله و وليه المنتسب اليهما بالنسبة الحسنية اعني مير محمد علي الحسيني، مد ظله العالی، حاضر مي بود و گاه گاهي به خاطر فاطر خطوط مي نمود که اگر در فنون خمسة طب کتابي جمع و تأليف مي شد که جامع جميع مسایل و مطالب و حاوی اقوال ما تقدم و ما تأخر و کتب متداوله مي بود، هر آينه، بر طلب اين فن و مزاولين علم و عمل کار آسان مي گرديد و از تعب و رنج جمع و حمل کتب متعدده آرام مي يافتند؛ ليکن به سبب بي بضاعتي و فرومايگي علم و عمل و عدم حصول تجربه و غيرها از موانع در معرض تعويق مي افتاد؛ تا آن که در سنه يکهزار و يکصد و هشتاد و سه هجري، علي مهاجرها و آله الف التحية و السلام، اتفاق شروع به جمع و تأليف کتابي در امراض مختصه از سر تا قدم افتاد و از آن قدری تا آخر امراض الرأس به زبان عربي نوشته شد و به سبب عروض بعض عوارض و موانع از آن بازماند و در سنه يکهزار و يکصد و هشتاد و پنج به حکم واجب الازعان آن جناب، ادام الله افادته و افاضاته، متوجه جمع و تأليف قراياديني گرديد به زبان فارسي، بدین نسق که بعض ادويه که اصل و عمود و جزو اعظم اند در اکثر تراکيب اولاً به قيد اسامي و بيان

طبیعت و افعال و منافع و خواص و مقدار شربات و مضارّ و اصلاح و دفع آن و بدل و غیرها، آنچه متعلق بدان است، ذکر نماید و در ذیل هر یک، آن تراکیب موسومه بدان را و در بین، جابه جا مرگباتی که هر یک به اسمی خاص موسومند، بدون قید اسم دوا، برای آن که جامع و تام باشد، مجموع به ترتیب حروف تهجّی، جهت سهولت اخذ و تلقی در ضمن کتاب و ابواب و فصول. بعد اتمام آن، بحمدالله و حسن توفیقه، باز حسب الامر آن جناب سامی، مدظله العالی، متوجّه جمع و تألیف کتابی در ادویّه مفرده گردید، ایضاً به ترتیب حروف تهجّی از الف تا یاء. در ضمن ابواب و فصول ملتقط از کتب معتبره متداوله مانند قانون شیخ الرئيس و ادویّه قلبیه او و جامع المالیقی مشهور به ابن بيطار و تذکره شیخ یوسف بغدادی موسوم به مالایسع للطیب جهله معروف به جامع بغدادی و تذکره شیخ داود انطاکی موسوم به تذکره اولی الباب و ارشاد شیخ اسمعیل بن هیبه الله و ترجمه تذکره ابوریحان بیرونی مشهور به سویدی (ظ: صیدنه) و اختیارات بدیعی حاجی زین الدین عطار و تحفه المؤمنین حکیم میر محمد مؤمن تنکابنی و قدری از مفردات نواب حکیم معتمد الملوک سیّد علوی خان، قدس سره، و غیرها از کتب یونانیه و عربیه و فارسیه و از دستور الاطباء موسوم به اختیارات قاسمی حکیم محمد قاسم ملقب به هندوشاه مشهور به فرشته و مجربات افضل حکیم میر محمد افضل و چند کتاب دیگر از ادویّه هندیه و حواشی که حکیم میر عبدالحمید بر تحفه نوشته در ادویّه هندیه و آنچه از زبان معجز بیان جناب ارشاد مآبی، مدظله السّامی، و از ثقه معتمد شنیده و مؤلف خود دیده و ماهیّت و خواص آنرا دریافته و به تجربه رسانیده، بدین نحو که اولاً اسم دوا را به قید اعراب و بعضی لغات وارده در آن ذکر نماید، پس ماهیّت و طبیعت و افعال و منافع و خواص آن بالعموم و الاجمال پس بالخصوص و التفصیل و در اکثر، مراعات به ترتیب امراض مختصّه از فرق تا قدم نموده، پس غیر مختصّه و خواصّ

متعلقه بدان، پس بيان مضارّ و اصلاح و دفع آن، پس مقدار شربت و بدل آن را و نيز اشاره به مرکباتی که آن دوا اصل و عموداست در آن و در *قرابادين مجمع الجوامع* ذکر يافته و نيز ايمایي به ادويه مجهوله الماهيّه کرده شود و اصل و معتمد در هر دوا اقوال صاحبان کتابی را شناسد که آن دوا مخصوص به بلاد اوشان بوده، يعنی در بلاد اوشان به هم رسیده و يا به نواحی آن واکثري را خود دیده و شناخته، ماهيت و كيفيت و افعال و خواصّ آنرا به تجربه رسانیده، نوشته اند؛ نه آنچه در بلدان ديگر و خود ندیده و به محض تقليد و استماع بی تحقيق نوشته اند. و برای آن کتاب مقدمه و خاتمه قرار داد و اسامی مختلفه ادويه را، چنانچه صاحبان کتب مذکوره در بين جابه جا ذکر نموده اند، مذکور نکرد؛ بلکه در آخر کتاب در خاتمه در ضمن ابواب و فصول آورد و نيز جهت اتمام آن و آن که در احتياج به ادويه مرکبه رجوع به کتاب ديگر نماند، برای آن قراباديني به ترتيب حروف تهجي ذکر نمود و کتاب را بر دو مقاله منقسم ساخت: مقاله اول در ادويه مفرده که تذکره نامند؛ مقاله دوم در ادويه مرکبه که *قرابادين* خوانند، مسمی به *مخزن الادويه و تذکره اولی النهی* گردانید. توقع از ناظران منصف آن که هر جا سقم و خطايی مشاهده نمایند، بعد تأمل و تعمق بليغ به قلم اصلاح مزین سازند و در مقام خردگی در نيابند و ناقص و ضایع نگذارند. *جَزَاهُمْ اللّٰهُ عَنِ خَيْرِ الْجَزَاءِ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مِنْهُ الْمَبْدُ اُولِيهِ الْمُنْتَهٰى ...*»

مخزن الادويه:

کتابی که با این عنوان در تاريخ ۱۲۵۹ ق. در کلکته شروع به چاپ گردید و در سال ۱۲۶۰ ق. چاپ آن خاتمه یافت، با همین عنوان «مخزن الادويه» شهرت یافته است. در حقيقت، مخزن الادويه بخش عمده و بزرگ کتاب «مجمع الجوامع» عقيلي علوي است که شامل قسمت های زیر می شود:

- ۱- مقدمه، مشتمل بر چهارده فصل، از صفحه ۱ تا ۸۰ کتاب:
- فصل اول، در بیان دوا و غذا و ذوالخاصیه و مرکب القوی و فادزهر و سمّ و دواهای مسهل و ملین و اقسام هر یک بالاجمال.
- فصل دوم، در بیان مرکب القوی و ذوالخاصیه و تأثیر هر یک از آنها از فادزهری و سمّی.
- فصل سوم، در بیان مزاج و اقسام امزجه و معرفت درجات آنها.
- فصل چهارم، در بیان معرفت امزجه ادویه و اغذیه به تجربه و قیاس.
- فصل پنجم، در بیان سبب اختلاف اقوال اطّبا در ماهیّت و خواصّ ادویه و اسامی کسانی که متوجّه به تحقیق و جمع و تألیف ادویه شده اند بالاختصار.
- فصل ششم، در بیان طریقه اخذ ادویه و حفظ و حصانت آنها.
- فصل هفتم، در بیان اعمار بعض ادویه مفرده و زمان بقای قوت آنها.
- فصل هشتم، در بیان آداب طعام خوردن و آب نوشیدن و اطعمه ای که جمع آنها با هم مناسب نیستند.
- فصل نهم، در دستورات احراق بعض ادویه و تحمیص و تشویه و تقلیه و تدبیر و غسل و آشامیدن چوب چینی و عشب و شجرة النّبی و غیرها و اتّخاذ و صنایع بعض ادویه و احکام هر یک.
- فصل دهم، در بیان معرفت بعض افعال ادویه مفرده و خواصّ آنها.
- فصل یازدهم، در بیان بعض اصطلاحات طبیّه.
- فصل دوازدهم، در بیان بعض اوزان طبیّه و هندیّه و فارسیه .
- فصل سیزدهم، در بیان بعض امور متعلّقه به نجوم.
- فصل چهاردهم، در بیان اسناد طبّ خالد والد ماجد مؤلّف و والد ماجد و مؤلّف.

۲- ابواب بيست و هشتگانه مخزن الادويه كه هر باب به يك حرف از حروف، به ترتيب تهجي شامل مي شود و هر بابي نيز به فصولي چند تقسيم مي گردد كه هر فصلی به ترتيب حرف دوم ترتيب داده شده است؛ نظير فصل الالف مع الالف، فصل الالف مع الالف المهمله و غيره.

بنابراين، اصل كتاب، همين ابواب است كه از صفحه ۸۰ تا ۹۰۲ را در برمي گيرد. اوّلين كلمه بررسی شده «آبار» است كه در رسم الخط كتاب «۱۱ بار» ثبت شده و آخرين آنها «يوز». در پايان اين باب نوشته است: «و به اينجا ختم نموده ادويه مفرده را بعون الله تعالى و حسن توفيقه و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلّى الله على رسوله محمّد و آله و اصحابه الطيبين الطاهرين و سلّم تسليمًا كثيرًا».

۳- خاتمه از صفحه ۹۰۳ تا ۱۰۳۲ پايان كتاب كه در حقيقت، فرهنگ لغات كتاب است به ترتيب الفبا؛ نويسنده در آغاز آن گويد:

« خاتمه در بيان تعداد ادويه مذكوره به اسامي و لغات مختلفه از عربي و يوناني و سرياني و فارسي و تركي و هندي و غيرهها، مسمي به فرهنگ، به ترتيب حروف تهجي با ملاحظه حرف دوم و سوم نيز بتوفيق الله تعالى و حسن عنايته درضمن بيست و هشت باب و در هر بابي، چند فصل».

اين فرهنگ از لغت «اب» (آب) شروع و به «بيلان اودي» ختم مي گردد و مشتمل است بر حدود ۶۰۰۰ واژه نويسنده. براي بعضي كلمات يك مترادف و براي بعضي چند مترادف آورده است و ماهيت زباني و لهجه اي تعدادي از آنها را مشخص کرده است. كلماتي كه با «آ» شروع مي شوند، تحت عنوان «فصل الالف مع الالف» با دو حرف «ا» قرار داده است. اين فرهنگ بدون شاهد مثال و بدون ذكر صفحه مورد نظر است و گاه اشتباهات چاپي دارد.

عقیلی علوی در اثر نفیس خود، درباره هر یک از ادویه، ابتدا نوع تلفظ و مترادفات زبان ها و لهجه های آنرا بیان می کند، نظیر کلمات زیر:

«فرنجمشک به فتح فا و را و سکون نون و فتح جیم و کسر میم و سکون شین معجمه و کاف معرب پلنگمشک فارسی است و آنرا نجمشک و فلنجمشک و ابرنجمشک به با به جای فانی نامند و به سریانی فلنلمشکا و به رومی امیولوفراس و به یونانی اقبلیس و به هندی رام تلسی و گویند به هندی انبل نامند.»^{۱۳}

«پپیل به کسر باء عجمیه و سکون یاء مثناة تحتانیه و فتح باء عجمیه و لام لغت هندی است.»^{۱۴}

«لؤلؤ به ضمّ دو لام و سکون دو واو که به همزه خوانده می شود، لغت عربی است و به فارسی مروارید و به ترکی اینچی و انجو و به هندی مکتا وموتی و بزرگ مقدار، آنرا به عربی درّ و آنچه در صدف یکتا باشد، درّ مکنون و درّ یتیم نامند.»^{۱۵}

بنابراین، از خواص مهم این کتاب، مباحث لغوی و زبانشناسی و به خصوص لهجه های مختلف فارسی است؛ زیرا در مواردی بسیار، نام داروی مورد نظر را در لهجه های شیرازی، خراسانی، گیلانی، اصفهانی و غیره بیان می دارد و جا دارد که کلیه این واژگان در یک کتاب مستقل فراهم آید. از این جمله است لغات هندی و مترادفات آن در زبان های بنگالی و شهرهای دیگر هندوستان که با احصا و تدوینی که نگارنده این سطور کرده است، تنها بیش از ۱۲۰۰ واژه هندی اعم از نام داروها، نام بیماری ها و لغات عادی هندی را شامل می شود.

مؤلف پس از بررسی نوع تلفظ و مترادفات زبانی، معمولاً درباره هر یک از ادویه به ماهیت، طبیعت، افعال و خواص آن ها به طور جداگانه می پردازد که در واقع، قسم

عمدهٔ مباحث پزشکی اوست و نشانگر معلومات بسیار و یادداشت های کثیر آن طبیب حاذق است.

چاپ مخزن الادويه:

در «فهرست کتاب های چاپی فارسی»^{۱۶} نوزده چاپ از این کتاب نام برده شده که از سال ۱۲۵۶ ق. به بعد در شهرهای کلکته، بمبئی، لکهنو و کانپور صورت گرفته است. نسخهٔ معتبر و رایج مخزن الادويه در ایران، چاپ کلکته در سال ۱۸۴۴ میلادی است که سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی از روی آن عکس برداری و در شرکت افست در هزار نسخه چاپ و صحافی جدید کرده است. مشخصات این نسخهٔ چاپی به شرح زیر است:

«آغاز چهارپهٔ مخزن الادويه به تاریخ ۲۳ شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۲۵۹ هجری قدسی، حسب فرمان واجب الاذعان جناب حاجی حرمین شریفین عالیجاه رفیع جایگاه عالی تبار ملک التجار حاجی آقا کربلایی محمّد خان صاحب، لازال اقباله و حشمته، به اهتمام و تصحیح فقیر حقیر احمد کبیر، غفر الله له و لجميع المؤمنین، گردیده.» در پایان کتاب نیز عباراتی چنین چاپ شده است:

«نسخهٔ مخزن الادويه که از تصانیف مسیحای، زمان بقراط اوان، حکیم حاذق، طبیب فائق علی الاقران، علامهٔ زمان، فهامةٔ دوران، سلطهٔ خاندان مصطفوی، علالةٔ دودمان مرتضوی، اشرف اولاد ابوتراب، اکرم احفاد جناب مستطاب، مبین دقائک معقول و منقول، کشاف حقائق فروع و اصول، سند حکمای کرام، رییس فضلالی عظام، افضل اطّباى عالی قدر، اجلّ علمای دهر، مجمع علوم روحانی، میر محمد حسین ابن سید السّند محمّد هادی العقلی (العقيلي) العلوی الخراسانی ثمّ الشیرازی، صبّ الله علیهما سبحال الرحمه و الاحسان و اسکنهما فی معالی الجنان، حسب ارشاد فیض بنیاد قدر افزای اهل

کمال ... حاجی آقا کربلایی محمد خان صاحب شیرازی ... به حسن اهتمام و تصحیح عالم بی بدل فاضل بی مثل حاجی حرمین شریفین ... امین مدرسه کمپنی، جناب حافظ حاجی مولوی احمد کبیر و رییس الحکما، رأس الاطبا، امجد احفاد رسول الثقلین، جناب حکیم مولوی سید احمد حسین و مورد مراحم حضرت صمد جناب مولوی حافظ حاجی عجیب احمد و مجمع فضایل کونین جناب مولوی غلامحسین و مظهر علوم نقلی و عقلی جناب مولوی قنبر علی، غفر الله ذنوبهم و ستر عیوبهم، و سعی ماهرین فن طبع منشی غلام مولی و دیگر معاونین طبع به صحت بیشتر از پیشتر بر کاغذ خوشتر و حروف بهتر به تاریخ بیست و دوم شهر شعبان المعظم به روز جمعه سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی مطابق سیوم ستمبر سنه ۱۸۴۴ عیسوی صورت اختتام به مره ثالثه پذیرفت و نقش اتمام گرفت ...»

بر این اثر تا کنون چند کار مجزاً از زوایای مختلف انجام گرفته است: یکی با عنوان «فرهنگ نصیریه» تألیف حکیم محمد نصیر بن حکیم احمد. مؤلف در مقدمه می گوید که چون مردمان در استفاده از کتاب مخزن الادویه به سبب الفاظ هندی، یونانی، عربی و غیره عاجز می آیند، خواسته است رساله ای تألیف کند که این مشکلات را حل نماید و آنرا به «فرهنگ نصیریه» معروف به «حل مخزن الادویه» مسمی ساخته است. این کتاب در یک مجموعه طبّی با کتاب های دیگری موسوم به الفاظ الادویه و انیس المعالجین تألیف عین الملک و میزان الادویه از سعید بن محمد لکهنوی در سال ۱۳۳۲ .. ق. (۱۹۱۴ م.) در مطبعه نولکشور کانپور هندوستان چاپ دوم شده است.^{۱۷}

پژوهش دیگری که بر مخزن الادویه انجام گرفته، مقاله ای است با عنوان «واژه های مترادف دارو شناسی در مخزن الادویه محمد حسین عقیلی خراسانی» از آقای هوشنگ اعلم که در مجموعه «تاریخ علم در ایران زمین» با عنوان فرانسوی

(LASCIENCE DANS LE MONDE IRANIEN) به کوشش ژيواسل، حسين بيك باغبان و تيري دو کروسل دپس، جزو انتشارات انجمن ايران شناسي فرانسه به سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است. اين مجموعه حاوی متن ۲۸ مقاله است که در روزهای شانزدهم تا هجدهم خرداد ۱۳۷۴ در دانشگاه استراسبورگ فرانسه به صورت سخنرانی ارایه شده است.^{۱۸}

نگارنده این سطور نیز کلیه واژه های هندی، همراه با معانی آنها، را از کل کتاب مخزن الادويه استخراج کرده و به صورت فرهنگنامه کوچکی آماده چاپ دارد که امید است به زودی به انتشار آن توفیق یابد و همچنین واژه های گویشی مخزن الادويه که به صورت مقاله ای مجزا آماده چاپ دارد.

یادداشتها:

- ۱- الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه دکتر باهر فرقانی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۶، ص ۶۵-۴.
- ۲- آذریبگدلی، لطفعلی بیگ، آتشکده (نیمه دوم)، به تصحیح میر هاشم محدث، چاپ اول، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹؛
- صبا، محمد مظفر حسین، تذکره روز روشن، به تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت، کتابخانه رازی، ۱۳۴۳، ص ۴۲-۳۴۱؛
- نیز: داور، شیخ مفید، تذکره مرآة الفصاحه، تصحیح دکتر محمود طاووسی، نوید، شیراز، ۱۳۷۱، ص ۲۹۵.
- ۳- داور، مرآة الفصاحه، ص ۲۹۵.
- ۴- همان، صص ۲۹۶-۲۹۵.
- ۵- صبا، تذکره روز روشن، ص ۵۵۸؛ تذکره مرآة الفصاحه، ص ۲۹۵.
- ۶- صبا، تذکره روز روشن، ص ۵۵۸.
- ۷- رکن زاده آدمیت، محمد حسین، دانشمندان و سخنسرایان فارس، کتابفروشی اسلامی، ج ۳، تهران، ۱۳۳۹، صص ۶۴-۶۶۳؛ الگود، سیریل، طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۰۴-۱۰۳؛ الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران، ص ۷-۶۵.
- ۸- الگود، سیریل، طب در دوره صفویه، ص ۱۰۳؛ تاریخ پزشکی ایران، ص ۶۶.
- ۹- رکن زاده آدمیت، دانشمندان و سخنسرایان فارس، ج ۳، صص ۶۴-۶۶۳؛ داور، تذکره مرآة الفصاحه، ص ۲۹۶.

- ۱۰- عقيلي علوي خراساني، محمد حسين، مخزن الادويه، از روي چاپ کلکته، ۱۸۴۴، ص ۲۳.
- ۱۱- همان، ص ۸۰.
- ۱۲- الگود، سيريل، طب در دوره صفويه، ص ۱۰۳؛ تاريخ پزشکی ايران، ص ۴۶۵.
- ۱۳- عقيلي علوي خراساني، مخزن الادويه، ص ۶۵۲.
- ۱۴- همان، ص ۲۵۹.
- ۱۵- همان، ص ۷۹۸.
- ۱۶- مشار، خان بابا، فهرست کتاب های چاپی فارسی، ۱۳۳۵، ج ۴، ص ۴۵۳۴.
- ۱۷- دبیر سیاقی، محمد، فرهنگ های فارسی، انتشارات اسپرک، ۱۳۶۸، ص ۴۵۳.
- ۱۸- نشر دانش، سال ۱۶، ش ۱، صص ۸۱-۸۰.